

Hymen Restoration from Criminal Law Perspective

Sayyed Mortaza Mirzadeh Ahari¹

Abstract

The Iranian criminal law did not criminalize hymen restoration. But, whenever girls do this act - with its special conditions - as "marriage fraud", it causes criminal liability to realize for him as a perpetrator, and in case of unity of intention for the doctor as complicity in the offense. Also, if the "Hiding adultery" is true as the act of physician, and she has the intention to save the girl in from trial and conviction by these means, it could be punishable under Article 554 of the punishment law. This article reviews the above issues and hymen restoration in criminal cases and is to verify that hymen restoration is not a crime in most cases, because of lack of mental element and the mentioned criminal categories are not true about it.

Keywords

Hymen Restoration, Criminal Law, Deception in Marriage, Hide Evidence of Delict, Abetting

Please cite this article as: Mirzadeh Ahari SM. Hymen Restoration from Criminal Law Perspective. Iran J Med Law 2017; 11(41): 35-55.

1. Graduated Level 4 (Ph.D) of Qom Seminary, Researcher in Juridical Forensic Research Centre, Qom, Iran. Email: hsma1361@gmail.com

ترمیم بکارت از منظر حقوق جزا

سیدمرتضی میرزاده اهری^۱

چکیده

در حقوق جزای ایران نسبت به عمل ترمیم بکارت جرم‌انگاری صورت نگرفته است، اما هرگاه عمل یادشده از سوی دختر - با اجتماع شرایط - عنوان مجرمانه «فریب در ازدواج» به خود گیرد، موجب تحقق مسؤولیت کیفری برای وی به عنوان مباشر جرم بوده و در صورت احراز وحدت قصد، برای پزشک نیز تحت عنوان معاونت در جرم مزبور، ایجاد مسؤولیت کیفری خواهد نمود. همچنین در صورت صدق عنوان مجرمانه «اخفای جرم زنا» بر عمل پزشک، با احراز قصد وی مبنی بر رهانیدن دختر از محاکمه و محکومیت مشمول مجازات مندرج در ماده ۵۵۴ قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده خواهد بود. مقاله حاضر به بررسی موارد یادشده و نیز دعاوی کیفری در خصوص ترمیم بکارت در محاکم دادگستری پرداخته و در پی اثبات این مطلب است که در بیشتر موارد، عمل ترمیم بکارت به دلیل فقدان عنصر روانی، تحت عناوین یادشده قرار نگرفته و جرم محسوب نمی‌گردد.

واژگان کلیدی

ترمیم بکارت، حقوق جزا، فریب در ازدواج، اخفای دلیل جرم، معاونت در جرم

۱. دانش‌آموخته سطح چهار حوزه علمیه قم، پژوهشگر مرکز تحقیقات فقهی پزشکی قانونی، قم، ایران.

Email: hsma1361@gmail.com

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۳/۱۳ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۱/۱۴

مقدمه

مسأله ترمیم بکارت از همان اوان طرح و گسترش آن در جامعه، ذهن بسیاری از مردم را به خود مشغول داشته است. در این میان شاید عمده دل نگرانی‌های عمومی، مربوط به جوانب حقوقی ماجرا باشد، آن هم به جهت تأثیر مستقیمی که این امر می‌تواند در مهم‌ترین رابطه حقوقی انسان‌ها از منظر اسلام - یعنی ازدواج - بر جای گذارد، اما با این وجود، اندیشمندان و نظریه‌پردازان عرصه حقوق، بنا به دلایلی از طرح مباحث مربوط به آن ابا داشته و کم‌تر حاضر به طرح آن شده‌اند که نمود این مسأله در خلأ قانونی موجود در این‌باره آشکار است. در مقاله حاضر، به ترمیم بکارت از منظر حقوق جزا پرداخته می‌شود. برای این منظور ابتدا ماهیت جزایی ترمیم بکارت و سپس احکام و آثار مترتب بر آن نسبت به دختر و پزشک و سایر عوامل مرتبط مورد بررسی قرار گرفته و در پایان دعاوی کیفری مربوط به عمل مزبور در محاکم دادگستری پی گرفته می‌شود.

ماهیت جزایی ترمیم بکارت

در قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران، در خصوص عمل ترمیم پرده بکارت جرم‌انگاری صورت نگرفته است. بنابراین نفس عمل، واجد عنوان مجرمانه و مجازات نخواهد بود، اما این کار ممکن است در برخی موارد، عنوان «فریب در ازدواج» یا «اخفای ادله جرم» به خود گیرد که در حقوق موضوعه جرم محسوب می‌شوند. در زیر به بررسی دو عنوان مجرمانه یادشده و تطبیق آن دو بر عمل ترمیم بکارت پرداخته می‌شود.

۱- فریب در ازدواج

تدلیس در نکاح به دو صورت واقع می‌شود. صورت نخست تدلیس مدنی است که بحث آن را بایستی در حیطه حقوق خصوصی جستجو کرد، اما گاه فریب‌خوردن طرف مقابل عقد با عاملی بالاتر از تدلیس مدنی صورت می‌گیرد و اوضاع و احوال و قرائن حاکی از قصد مجرمانه فریب‌دهنده نسبت به این امر است. چنین تدلیسی «تدلیس کیفری» یا «فریب در ازدواج» نامیده می‌شود که قانونگذار ایران علاوه بر ضمانت اجرای مدنی، به منظور اطمینان بیشتر از حصول قصد و رضای هر یک از زوجین برای ازدواج، و با هدف جلوگیری از توسل هر یک از آن‌ها برای فریفتن دیگری با امور واهی، برای طرف فریبکار مجازات نیز تعیین نموده است. ماده

۶۴۷ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات های بازدارنده) در این خصوص مقرر داشته است: «چنانچه هر یک از زوجین قبل از عقد ازدواج طرف خود را به امور واهی از قبیل داشتن تحصیلات عالی، تمکن مالی، موقعیت اجتماعی، شغل و سمت خاص، مجرد و امثال آن فریب دهد و عقد بر مبنای هر یک از آنها واقع شود، مرتکب به حبس تعزیری از شش ماه تا دو سال محکوم گردد.»

بنابراین با توجه به ماده یاد شده، می توان گفت که فریب در ازدواج عبارت است از اغفال متقلبانه طرف عقد توسط دیگری، با توسل به امر یا امور واهی و برخلاف واقع.

۱-۱- بررسی عناصر سه گانه جرم فریب در ازدواج: به طور کلی، هر عملی برای «جرم» نامیده شدن، نیازمند سه رکن اساسی می باشد که عبارتند از عنصر قانونی، مادی و روانی. جرم فریب در ازدواج نیز از این قاعده مستثنی نبوده و برای محقق شدن، نیازمند سه عنصر یادشده می باشد. در زیر به بررسی این مطلب پرداخته می شود.

۱-۱-۱- عنصر قانونی: وفق اصل قانونی بودن جرم و مجازات، فعل یا ترک فعل در صورتی عنوان «جرم» به خود می گیرد که به موجب قانون، مجرمانه بودن آن اعلام شده باشد. جرم فریب در ازدواج نیز به عنوان یکی از جرایم بر ضد حقوق و تکالیف خانوادگی، در ماده ۶۴۷ قانون تعزیرات جرم انگاری شده و برای مرتکب آن مجازات حبس تعزیری از ۶ ماه تا ۲ سال در نظر گرفته شده است. بنابراین عنصر قانونی این جرم، ماده یادشده می باشد.

۱-۱-۲- عنصر مادی: بایستی توجه داشت که صرف انجام رفتار فریب کارانه را نمی توان «فریب در ازدواج» مورد نظر قانون نامید، چراکه عنصر مادی در این گونه موارد، خود متشکل از سه جزء است که به شرح زیر می باشد:

- با توجه به اصطلاح کیفری فریب در ازدواج (ماده ۶۴۷ ق.ت.)، از سوی طرف عقد بایستی اعمال یا عملیات فریبنده ای انجام شده و اتصاف به صفات واهی صورت گیرد که ممکن است به صورت گفتار یا نوشتار باشد. همچنین ممکن است این عملیات، اعمال و اقداماتی باشد که دختر بر روی خویش انجام می دهد، به نحوی که عیب یا صفت نقصی را که در وی موجود است، مخفی سازد، مثلاً چین و چروک عمیق یا آبله رویی خویش را با گریم طوری پنهان کند که پوست صورت وی کاملاً صاف و شاداب دیده شود. بنابراین شکی در صدق عنوان مادی «فریب در ازدواج» بر رفتار مدلسانه ای که به شکل فعل مثبت انجام شده، وجود ندارد، اما در مورد

صدق یا عدم صدق عنوان فوق بر سکوت شخص در حالتی که عیبی در وی وجود دارد، میان فقها و به تبع ایشان میان حقوقدانان تردید وجود دارد، زیرا از یکسو هرگاه سکوت از بازگوکردن عیب و خودداری از دادن اطلاعات به طرف مقابل، سبب ایجاد عنصر مادی جرم فریب در ازدواج باشد، پایداری عقد ازدواج در بسیاری موارد رو به سستی گراییده و طرف ناراضی می‌تواند کاهلی و بی‌مبالاتی و چه بسا تقصیر خویش را در خصوص عدم تحقیق کافی، دست‌آویزی برای اعلام جرم و شکایت علیه همسر خویش نماید و از سوی دیگر، سکوت در مواردی که عیب پنهانی در یکی از دو طرف وجود دارد و عقد بر مبنای سلامت وی از عیب مورد نظر واقع شده و طرف دیگر به صداقت و درستی او اعتماد می‌نماید، بی‌گمان بهره‌برداری از جهل و ناتوانی اوست.

به نظر می‌رسد وفق قاعده «لا ینسب إلی ساکت قول»، نباید سکوت را به صورت موسع تفسیر و کسی را که با سکوت از بازگوکردن عیوب خویش خودداری می‌کند، به عنوان فریب‌کار تلقی کرد، اما با این وجود لازم است سکوت را با توجه به عرف مد نظر قرار داد. بدین توضیح که گاه عرف معاملات یا عقود، برحسب مورد اقتضا می‌کند که برخی موارد بازگو شود، به عنوان نمونه جوانی که درصدد ازدواج برای اولین بار می‌باشد و بر این اساس به خواستگاری دختری می‌رود، چون عرفاً این نوع افراد با فرض این‌که آن خانم نیز قبلاً ازدواج نکرده، به سراغش می‌روند، در صورتی که خانم با وجود ازدواج پیشین، آن را بازگو نکند، به نظر می‌رسد چنین سکوتی بی‌اثر نبوده و می‌توان عنوان مجرمانه «فریب در ازدواج» را بر آن بار کرد. برخی حقوقدانان سخن فوق را این‌گونه بیان کرده‌اند که در این خصوص بایستی بررسی شود که نقص چگونه است. اگر به گونه‌ای باشد که عرف و عادت آن را معمولاً در ازدواج‌ها نادیده می‌گیرد، نمی‌توان سکوت از آن را تدلیس دانست، مثلاً اگر تعداد محدودی از دندان‌های همسر مصنوعی باشند، سکوت از آن در نظر عرف نقص چندانی محسوب نمی‌گردد، اما اگر از جمله نقص‌هایی باشد که از نظر عرف و عادت قابل مسامحه نیست، مورد از موارد تدلیس محسوب می‌گردد (۱).

- مجموعه شرایط و اوضاع و احوال لازم برای تحقق تدلیس: شرایطی که وجود آن‌ها برای تحقق عنصر مادی فریب در ازدواج ضروری می‌باشد، به صورت زیر است:

موجب فریب طرف عقد شود (ماده ۴۳۸ ق.م): یعنی عملیات و اقدامات گفتاری یا فعلی موجب فریفتن طرف عقد شده و در نتیجه آن، رغبت و میل نسبت به عقد در او ایجاد گردد، به

گونه‌ای که اگر عمل فریبنده انجام نمی‌شد، طرف عقد نیز حاضر به ازدواج نمی‌گشت. با توجه به مفهوم ماده ۶۴۷ ق.ت.، اگر این عملیات موجب فریب خوردن طرف مقابل نشود، فریب در ازدواج محقق نشده است. بنابراین ملاک تحقق رکن مادی جرم مزبور، تنها ایجاد رغبت شخص به انجام عقد نیست، بلکه اگر طرف عقد علم داشته باشد که این صورت ظاهری در نتیجه یک سری عملیات و اقدامات است و با وجود این، رغبت و میل او به عقد باقی باشد، جرم فریب محقق نشده است (۲).

فریب‌کار، طرف عقد باشد: عمل «فریب در ازدواج»، بزه ناروایی است که در حق طرف مقابل صورت گرفته و موجب پایمال شدن حقوق وی می‌گردد. از این رو می‌توان گفت یکی از حکمت‌های جرم‌انگاری و ایجاد حق شکایت و تعقیب کیفری برای طرف عقد جبران زیان وی می‌باشد. بنابراین در صورتی که شخص ثالثی مرتکب تدلیس شود، نمی‌توان با استناد به خطایی که او مرتکب شده و زبانی که وارد کرده است، طرف عقد را مورد پیگرد جزایی قرار داد. همچنین وفق اصل «شخصی‌بودن مجازات»، نمی‌توان شخصی را به دلیل ارتکاب جرم توسط دیگری محاکمه و مجازات نمود. این مطلب به خوبی از متن ماده ۶۴۷ ق.ت. قابل استفاده است، چراکه فریب در ازدواج را تنها در صورتی قابل مجازات دانسته است که «یکی از زوجین» مرتکب آن شده باشد. در این ماده، قانونگذار در مقام بیان مجازات فریب در ازدواج بوده و در همین زمینه کلام خود را محدود به فریب دو طرف عقد نموده است. با وجود این، باید دانست که برای تحقق جرم یاد شده، لازم نیست که کارهای فریبنده توسط شخص زوج یا زوجه انجام گیرد، بلکه هرگاه وی برای فریب‌دادن طرف مقابل، با شخص ثالثی تبانی کند یا دانسته و به عمد از اعمال او بهره‌برداری نماید، رکن مادی جرم محقق می‌شود، زیرا تبانی یکی از زوجین با شخص ثالث در فریب به منزله آن است که خود وی با مشارکت ثالث مرتکب فریب شده و انتساب جرم به وی محرز می‌باشد.

کار فریبنده، نامتعارف باشد: تشخیص عملیاتی که فریب در ازدواج به شمار می‌رود با عرف است. اخلاق، هر دروغ و تصنعی را نکوهش می‌کند، ولی در حقوق پاره‌ای از دروغ‌ها به حکم عرف مجاز است و مستند جرم قرار نمی‌گیرد. در توجیه این مطلب می‌توان گفت توصیف‌های گزاف و مبالغه‌آمیز از دختر یا پسر در مراسم خواستگاری و آشنایی‌های مرسوم، به اندازه‌ای شایع است که اشخاص کم و بیش عادت کرده‌اند آن‌ها را جدی نپنداشته و فریفته نشوند. از

این رو از طرف عقد در مقام اثبات فریب، به دشواری پذیرفته می‌شود که آنچه را شنیده یا دیده، باور کرده و چشم‌پسته به اعتماد آن اوصاف تن به ازدواج داده است. اگر هم چنین ساده‌لوحی روی دهد، بایستی آن را به پای «اقدام» فریب‌خورده گذاشت (۳).

عقد به نحو اشتراط یا ابتنا بر وصف مورد نظر واقع شده باشد: فریب همواره بایستی در مهم‌ترین یا یکی از با اهمیت‌ترین اوصاف یا شروط مد نظر طرف عقد به وقوع پیوندد و این مطلب همان است که از آن با عنوان «اشتراط» صفت یا «ابتنا» عقد بر آن یاد می‌شود. بنابراین جرم فریب در ازدواج، زمانی محقق می‌شود که وصف منظور صریحاً یا ضمناً وارد قلمرو عقد شده باشد. به دیگر سخن، فریفتن طرف مقابل در صفت مورد نظر وی، زمانی جرم به شمار می‌آید که وجود صفت قبل از عقد مورد توافق صریح طرفین واقع شده و یا هنگام عقد بنای طرفین بر آن بوده و یا از مذاکرات قبل و اوضاع و احوال قضیه بر حسب عرف استنباط شود که آن صفت مورد نظر طرفین بوده و عقد بر اساس آن (متبایناً) واقع شده است، اما اگر عملیات فریبنده در وصفی روی دهد که به گونه صریح یا ضمنی وارد قلمرو عقد نشده است، چنانکه یکی از همسرها - با وجود اعلام عدم اهمیت تحصیلات یا نسب همسر از سوی طرف دیگر - تظاهر کند که دارای فلان مدرک تحصیلی یا فرزند فلان شخص است، این فریب‌کاری هرگز عنوان مجرمانه نخواهد داشت، چراکه وصفی که به هیچ وجه وارد قلمرو و توافق اراده طرف مقابل نشده است، نباید موجب محاکمه و مجازات طرف مقابل گردد.

عملیات فریبنده به جهت فریب همان شخص صورت گرفته باشد: اظهار فروزه کمال غیر واقعی یا پنهان داشتن فروزه کاستی از سوی طرف عقد، بایستی در راستای فریب طرف دیگر، به جهت ازدواج با همان فرد صورت گرفته باشد تا بتوان عنوان مجرمانه «فریب در ازدواج» را بر آن بار کرد. بنابراین اگر مرتکب، با رفتارهای فریب‌کارانه، موفق نشود که طرف مورد نظر خویش را فریفته و با وی ازدواج کند، اما همین رفتار روی داده اتفاقاً سبب فریب دیگری شده و منجر به ازدواج گردد، جرم فریب در ازدواج محقق نشده است، زیرا ازدواجی که فریب‌کاری به جهت آن مقصود وی بوده محقق نشده و ازدواجی که اکنون صورت گرفته، مراد وی نبوده است.

در هر صورت مجموع شرایط یادشده، عنصر مادی جرم فریب در ازدواج را تشکیل می‌دهد و در صورتی که یکی از آن‌ها موجود نباشد، عنصر مادی جرم کامل نبوده و به تبع آن، جرم مزبور روی نخواهد داد.

۳-۱-۱- عنصر روانی: انسانی که مرتکب اعمال مجرمانه می‌شود، تنها در صورتی قابل مجازات است که ارتکاب جرم را برگزیده باشد (۴). بنابراین ارتکاب عمل مجرمانه تنها با وجود «عنصر روانی» یا «سوء نیت» جرم محسوب می‌گردد. بر همین اساس برای این که مرتکب اعمال پیش گفته، «فریب‌کار در ازدواج» قلمداد شود، بایستی در ارتکاب آن، سوء نیت داشته باشد.

سوء نیت، خود دارای دو بند است که عبارتند از «سوء نیت عام» و «سوء نیت خاص». مراد از سوء نیت عام در جرم فریب در ازدواج، اراده خودآگاه فرد در ارتکاب عمل مجرمانه فریب در ازدواج یا عمد در توسل به اعمال فریبنده می‌باشد. از این رو هرگاه یکی از طرفین عقد به اشتباه، عمل خویش را فریبنده نداند یا آن را عرفی پنداشته و با اعتقاد صادقانه معتقد به مصداق فریب‌نبودن عمل خویش باشد، رکن سوء نیت عام جرم متزلزل خواهد بود.

بند دوم عنصر روانی جرم فریب در ازدواج، «سوء نیت خاص»، یعنی قصد فریب‌دادن طرف دیگر عقد است. بنابراین اگر مرتکب، قصد فریب طرف مقابل را نداشته باشد، سوء نیت خاص وی احراز نشده و در نتیجه مشمول ماده ۶۴۷ ق.ت. نخواهد بود (۵).

۲-۱- **تطبیق بحث بر مسأله ترمیم بکارت:** مصادیق ذکر شده برای امور واهی در ماده ۶۴۷، تمثیلی بوده و احراز جرم، به واهی بودن اوصاف و مبنا قرار گرفتن آن در عقد نکاح بستگی دارد (۵). بنابراین هرچند در ماده یادشده، ذکری از فروزه دوشیزگی دختر به میان نیامده است، اما در بسیاری از موارد، یکی از شرایط عرفی عقد ازدواج نخستین، باکره‌بودن دختر است، پس هرگاه عمل ترمیم بکارت، واجد عناصر سه‌گانه یاد شده باشد، عنوان جرم فریب در ازدواج بر آن صدق خواهد نمود.

عناصر سه‌گانه جرم در عمل یاد شده، زمانی محقق خواهد شد که اولاً عقد بر مبنای باکره‌گی صورت گرفته باشد؛ ثانیاً ترمیم پرده بکارت از سوی دختر غیر باکره به قصد تدلیس و فریب شوهر انجام گرفته باشد. از این رو احراز جرم از سوی زوج، در نهایت بسته به قصد و نیت وی از انجام عمل مزبور بوده و این مسأله، ارتباط مستقیمی با عامل ازاله بکارت وی دارد. با توجه به سبب از بین رفتن پرده دخترگی زوج، سه حالت برای وی متصور است:

۱-۲-۱- سبب ازاله بکارت، عواملی غیر از نزدیکی باشد: هرگاه پرده دخترگی در اثر حوادثی غیر از رابطه جنسی مانند سقوط از ارتفاع، ورزش و حتی خودارضایی از بین برود، در حقیقت به

فروزه دوشیزگی دختر گزندی وارد نشده است. علاوه بر این، بازسازی پرده، موجب اتصاف دوباره وی به عنوان «دختر دارای پرده بکارت» خواهد شد. بنابراین چنین دختری واجد هر دو شرط «دوشیزگی» و «وجود پرده» بوده و روشن است که قصد فریب شوهر و تحقق جرم منتفی خواهد بود.

۲-۱- سبب ازاله بکارت، نزدیکی نامشروع باشد: در این صورت هر چند عمل ترمیم بکارت چنین دختری در هر حال موجب فریب شوهر خواهد شد، اما صرف این مطلب، برای احراز عنصر روانی جرم کافی نبوده و بایستی اثبات گردد که فریب شوهر، «نیت» وی بوده است، نه «انگیزه» او. یکی از تفاوت‌های مهم انگیزه و قصد این است که متعلق انگیزه نوعاً پس از وقوع متعلق نیت حاصل می‌گردد، مانند ربودن پول مقتول پس از سلب حیات وی. برخی صاحب‌نظران برای روشن‌تر شدن مطلب، تفاوت میان نیت و انگیزه را در حقوق جزا، به تفاوت میان علت و جهت معامله در حقوق مدنی تشبیه نموده‌اند (۶).

بنابراین هرگاه نیت دختر از بازنشانی پرده بکارت، فریب شوهر نبوده و صرفاً به خاطر اغراض دیگری همچون پنهان نمودن اثر گناه خویش و ترس از افشای آن، یا حفظ جان یا آبروی خود و خانواده‌اش بدان عمل دست یازیده باشد، به نظر می‌رسد که سوء نیت خاص موجود نبوده و از این جهت نمی‌توان وی را مرتکب جرم فریب در ازدواج دانست.

ممکن است گفته شود که اغراض فوق، انگیزه ارتکاب جرم از سوی دختر بوده و نیت (عنصر روانی) محسوب نمی‌شوند، بلکه نیت دختر همان فریب شوهر می‌باشد، اما در فرض فوق، نمی‌توان آن‌ها را انگیزه دختر و متأخر از قصد فریب زوج دانست، چه این که مقاصد یادشده (همچون پنهان نمودن گناه، حفظ جان و حفظ آبرو) بر قصد فریب شوهر تقدم داشته و هدف بی‌واسطه از انجام عمل ترمیم می‌باشد.

ایراد دیگری که ممکن است مطرح شود، این است که مطابق ماده ۱۴۴ ق.م.ا و همچنین ملاک مذکور در بند «ب» ماده ۲۹۰ همان قانون، صرف علم به وقوع نتیجه در جرائم مقید، موجب تحقق عنصر روانی جرم بوده و نیازی به احراز قصد نمی‌باشد. بنابراین از آنجا که جرم فریب در ازدواج نیز از جرائم مقید می‌باشد، مجرد علم دختر به فریب خوردن شوهر در تحقق عنصر روانی جرم کافی است.

اما بایستی توجه داشت که «فریب در ازدواج»، جرمی مرکب است که از سه جزء تشکیل شده و فقدان هر یک از آن‌ها تحقق آن را منتفی می‌سازد: جزء نخست همان توسل به امور واهی و غیر واقعی است که در اینجا عبارت است از دوشیزه وانمودکردن خویش با بهره‌گیری از عمل ترمیم بکارت. جزء دوم عبارت از فریب‌خوردن طرف مقابل بوده و جزء سوم، واقع‌شدن ازدواج بر این مبنا می‌باشد. از آنجا که شروع به جرم ماده ۶۴۷ قانون تعزیرات، وفق مفهوم مخالف ماده ۱۲۲ ق.م.ا قابل مجازات نیست؛ صرف تحقق دو جزء نخست بدون جزء سوم، جرم محسوب نشده و برای مرتکب مسؤولیت کیفری در پی نخواهد داشت. بنابراین نتیجه عمل مجرمانه در اینجا، وقوع ازدواجی است که به سبب فریب‌خوردن زوج صورت گرفته است؛ نه صرف فریفته‌شدن وی. روشن است که هرگز نمی‌توان ادعا کرد دختر با ترمیم‌نمودن پرده بکارتش، از ابتدا به حصول چنین نتیجه‌ای علم داشته است!

علاوه بر این، حتی اگر نتیجه را نفس فریب‌خوردن شوهر فرض کنیم، اشکال مزبور هنگامی صحیح است که اولاً فعل مورد نظر، نوعاً موجب تحقق نتیجه یا نظیر آن گردد؛ ثانیاً مرتکب آگاه و متوجه باشد که آن کار نوعاً موجب آن نتیجه یا نظیر آن می‌گردد. به دیگر سخن، با توجه به ملاک بند «ب» ماده یادشده، علم قطعی به حصول نتیجه بایستی موجود باشد، به گونه‌ای که ادعای عدم علم از سوی مرتکب، عرفاً مردود تلقی گردد. بنابراین هرگاه از نظر عرف، امکان عدم تحقق نتیجه وجود داشته باشد، بحث علم به وقوع نتیجه منتفی بوده و تحقق عنصر روانی مبتنی بر احراز قصد نتیجه خواهد بود. در اینجا چنین علمی وجود ندارد، زیرا هرگز به یقین نمی‌توان گفت که ترمیم بکارت‌نمودن دختر، مرد را فریب خواهد داد، چه این که ممکن است فریب نخورده و قبل از جاری‌شدن عقد، به هر دلیل موضوع برای وی منکشف گردد. همچنین با توجه به این مطلب، نمی‌توان گفت که دختر، همواره آگاه و متوجه این نکته بوده که نتیجه ترمیم بکارت وی، فریب‌خوردن طرف مقابل است.

بنابراین احراز عنصر روانی در فرض یادشده بسیار دشوار بوده و در نتیجه تحقق جرم فریب در ازدواج منتفی خواهد بود.

اما در صورتی که پای اغراض یادشده در میان نباشد، عمل ترمیم بکارت دختر، هیچ توجیهی جز فریب طرف مقابل نداشته و عنصر روانی جرم و در نتیجه تحقق جرم فریب در ازدواج، محرز خواهد بود. برای نمونه دختری که در اثر رابطه نامشروع پرده دخترگی خویش را از دست داده

است و به هر دلیل ابایی از این امر ندارد، هرگاه برای ازدواج با مرد ثروتمندی که خواهان دختر دوشیزه می‌باشد، ترمیم بکارت نماید، بی‌شک مرتکب جرم فریب در ازدواج شده است، زیرا روشن است که در فرض یادشده، نیت (قصد بلاواسطه) وی از عمل ترمیم بکارت، فریب زوج است و انگیزه‌هایی همچون دریافت مهریه کلان یا داشتن زندگی مرفه و... در رتبه بعدی قرار دارند.

۳-۲-۱- سبب ازاله بکارت، نزدیکی مشروع باشد: مخفی نمودن ازدواج پیشین - به ویژه اگر منجر به نزدیکی شده باشد - با حصول شرایط، از مصادیق فریب در ازدواج به شمار می‌آید، چراکه نیت دیگری برای زن در این فرض متصور نیست. اداره حقوقی قوه قضائیه در نظر مشورتی ۱۳۶۴/۸/۷-۷/۴۰۷۵ بر این مطلب صحه گذارده و عمل زن باکره‌ای را که واقعه ازدواج پیشین خویش را قبل از ازدواج دوم، از شوهر فعلی خود مکتوم نگاه داشته بود، فریب در ازدواج دانسته است (۷).

بنابراین زنی که در اثر نزدیکی با شوهر سابق، پرده دخترگی خود را از دست داده و سپس آن را ترمیم نموده و این مسأله را از همسر فعلی خویش پنهان نموده است، در صورتی که شوهر به شرط باکره‌بودن با او ازدواج نموده یا عقد، مبتنی بر آن واقع شده باشد، مشمول ماده ۶۴۷ ق.ت. خواهد بود.

۲- اخفای ادله جرم

پنهان نگه‌داشتن گناهان و لغزش‌های پیش‌آمده در زندگی، نه تنها حق هر انسانی است، بلکه به حکم دین مبین اسلام، هر مسلمانی مکلف به پوشانیدن گناهان خود و دیگران بوده و آشکارساختن آن‌ها خود گناه بزرگ مستقلی است که سزاوار عقابی جداگانه می‌باشد. از این رو شرع و قانون، تجسس در امور شخصی دیگران را ممنوع دانسته و ضرورت رعایت حریم خصوصی اشخاص را مورد تأکید قرار داده است.

اما گاه پنهان نمودن برخی جرائم سبب اختلال نظام و به خطراتادن نظم و امنیت عمومی جامعه می‌گردد. از این رو قانونگذار برای جلوگیری از این امر، چنین پنهان کاری‌هایی را ممنوع نموده است. یکی از این موارد، «خفای ادله جرم» است که در ماده ۵۵۴ قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مورد جرم‌نگاری قرار گرفته است. متن ماده یادشده به صورت زیر می‌باشد: «هر کس از وقوع جرمی مطلع شده و برای خلاصی مجرم از محاکمه و محکومیت

مساعادت کند، از قبیل این که برای او منزل تهیه کند یا ادله جرم را مخفی نماید یا برای تبرئه مجرم ادله جعلی ابراز کند، حسب مورد به یک تا سه سال حبس محکوم می‌شود.»
بر این اساس هرگاه مخفی نمودن دلایل وقوع جرم، با هدف کمک به مجرم برای رهایی وی از محاکمه و محکومیت انجام گیرد، جرم بوده و ممکن است از یک تا سه سال حبس به دنبال داشته باشد.

۱-۲- بررسی عناصر سه گانه اخفای ادله جرم: قبل از پرداختن به عناصر جرم «اخفای ادله جرم»، ذکر دو نکته بسیار مهم در خصوص ماده ۵۵۴ قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده ضروری است.

نکته نخست این که هرچند واژه «جرم» به کار رفته در صدر ماده، افاده عموم نموده و شامل تمامی جرائم از هر نوع - حتی جرائم منافی عفت - می‌گردد، اما قبول چنین اطلاق و عمومی در تعارض آشکار با دستور شریعت مبنی بر پوشاندن فحشا خواهد بود. همچنین سیاست‌های کلی حاکم بر قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران، در درجه اول مبتنی بر مکتوم ماندن چنین جرائمی است. این امر از تأکیدات قانونگذار بر ممنوعیت تحقیق در جرائم منافی عفت، در موارد متعدد به خوبی قابل استفاده است.

از این رو «جرائم منافی عفت» را - به رغم وجه اشتراک واژه «جرم» نباید به مثابه بزه‌هایی همچون قتل، جعل، آدم‌ربایی و نظایر آن تلقی نمود. با توجه به این مطلب و قاعده لزوم تفسیر مضیق از قوانین کیفری، به نظر می‌رسد که ماده یادشده انصراف به موارد غیر مرتبط با عفت و اخلاق عمومی دارد؛ مگر در موارد استثنا.

نکته دوم این است که جرم یادشده تنها از سوی اشخاص دیگری غیر از شخص مجرم اصلی امکان وقوعی دارد. به دیگر سخن بر اساس ماده یادشده، محکوم نمودن مجرم از جهت جرم اخفای ادله و آثار جرم، وجاهت و محمل قانونی ندارد، زیرا هر مجرمی طبیعتاً سعی در پنهان نمودن آثار جرم خویش داشته و صراحت ماده قانونی، اشاره به جایی دارد که آثار و ادله جرم توسط دیگران پنهان شده باشد. بنابراین جرم اخفای ادله و آثار جرم زمانی محقق می‌شود که توسط شخصی غیر از مجرم صورت گیرد.

با توجه به این دو نکته، عناصر سه‌گانه جرم در زیر دنبال می‌شود:

۱-۱-۲- عنصر قانونی: جرم استخلاص مجرم از محاکمه و محکومیت، نخست در ماده ۱۲۴ قانون مجازات عمومی و سپس در ماده ۴۳ قانون تعزیرات قبلی پیش‌بینی شده بود، اما با توجه به برخی ایرادات و ابهامات که در دو ماده مزبور وجود داشت، قانونگذار در قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵، جرم‌انگاری و مجازات آن را به صورتی که در ماده ۵۵۴ قانون یادشده ذکر شد، تغییر داد و در حال حاضر رکن قانونی جرم اخفای ادله جرم، ماده فوق می‌باشد.

۲-۱-۲- عنصر قانونی: رکن مادی جرم یادشده، هر عمل مثبت مادی خارجی است که عنوان «خفای ادله جرم» بر آن صدق کند. برای نمونه پاک کردن آثار انگشت برجای‌مانده از مجرم، یا پنهان نمودن اسلحه‌ای که مجرم با آن مرتکب قتل شده است، مصادیقی از فعل مادی اخفای ادله جرم می‌باشد.

۳-۱-۲- عنصر روانی: جرم «خفای ادله جرم» در زمره جرائم عمدی است و بایستی سوء نیت مرتکب احراز گردد. بنابراین برای تحقق جرم مزبور، علاوه بر قصد انجام فعل، سوء نیت خاص نیز لازم است که در اینجا قصد خلاصی مجرم از محاکمه و محکومیت می‌باشد (۸)، البته بایستی توجه داشت که وحدت قصد میان مجرم اصلی و مجرم موضوع جرم مزبور لازم نیست (۸).

۲-۲- تطبیق بحث بر مسأله ترمیم بکارت: با توجه به مطالب پیش‌گفته، دختری که پرده خویش را بازنشاند، مشمول ماده ۵۵۴ قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده نبوده و عمل مجرمانه اخفای ادله جرم، تنها در مورد پزشک ترمیم‌کننده می‌تواند مصداق پیدا کند.

در وهله نخست برای این که پزشک مرمم را بتوان به جرم اخفا تحت تعقیب قرار داد، دختر مراجعه‌کننده جهت انجام عمل ترمیم بکارت، حتماً بایستی در اثر ارتکاب جرائم منافی عفت همچون زنا، پرده خویش را از دست داده باشد، زیرا روشن است که در صورت عدم وقوع جرم، عنوان «خفای ادله جرم» نیز منتفی خواهد بود. بنابراین ترمیم پرده‌ای که به سبب عوامل دیگر از بین رفته، هرگز پزشک را مشمول ماده مزبور نخواهد کرد. همچنین در صورتی که پرده دختر در اثر دخول از بین رفته باشد، صرف این موضوع اثبات‌کننده ارتکاب جرم زنا توسط وی نمی‌باشد. از سوی دیگر تحقیق درباره مشروع یا نامشروع بودن سبب ازاله بکارت (دخول صورت گرفته) نیز بر پزشک لازم نیست.

حال اگر پزشک به هر جهت، از نامشروع بودن دخول صورت گرفته، آگاه شد، در غیر موارد استثنایی - یعنی هنگامی که جریحه‌دار شدن عفت عمومی در اثر مشهود بودن زنا مطرح است و یا شاکی خصوصی وجود دارد - انجام عمل ترمیم بکارت توسط وی بر روی دختر مرتکب زنا پنهانی، نه تنها «اخفای ادله جرم» به معنای مورد نظر ماده ۵۵۴ قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده نیست، بلکه در این مورد برعکس، تأکید بر عدم تجسس و ترجیح کتم بر کشف شده است. ماده ۶۴۸ قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مقرر داشته: «اطبا، جراحان، ماماها و داروفروشان و کلیه کسانی که به مناسبت شغل یا حرفه خود محرم اسرار می‌شوند، هرگاه در غیر از موارد قانونی، اسرار مردم را افشا کنند به سه ماه و یک روز تا یک سال حبس و یا به یک میلیون و پانصد هزار تا شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شوند.»

بنابراین عمل پزشک تنها در صورتی عنوان جرم به خود خواهد گرفت که اولاً زناى دختر مشهود و یا به واسطه اقامه بینه و دلایل دیگر تحت تعقیب قضایی باشد؛ ثانیاً پزشک نیز با اطلاع از این موضوع و به قصد خلاصی وی از مجازات، عمل ترمیم بکارت را بر روی او انجام دهد، اما همچنان که پیداست، چنین فرضی به ندرت روی می‌دهد و اثبات آن در مقام عمل بسیار دشوار است.

آثار جزایی ترمیم بکارت

هرگاه عناوین فریب در ازدواج یا اخفای دلیل جرم بر عمل جراحی ترمیم پرده بکارت منطبق گردد، برخی آثار جزایی (مسئولیت کیفری) برای دختر و پزشک در پی خواهد داشت.

۱- آثار جزایی ترمیم بکارت برای دختر (مرمم)

هرگاه قصد دختر از عمل ترمیم بکارت، فریب شوهر بوده و در اجرای مقصود خویش موفق به فریب وی شده و بر این مبنای عقد ازدواج واقع گردد، یا زنی بیوه که قبلاً ازدواج نموده است، برای تظاهر به دوشیزگی، با ترمیم پارگی پرده بکارت اقدام به فریب داماد نموده و ازدواج صورت گیرد، بی‌شک جرم فریب در ازدواج روی داده و اگر شوهر به هر دلیلی از این فریب آگاه شده و به دادگاه کیفری مراجعه نماید، در این حالت دادگاه می‌تواند وفق ماده ۶۴۷ قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده، دختر یا زن مزبور را تحت عنوان فریب در ازدواج، به شش ماه تا دو سال حبس محکوم نماید.

البته بایستی توجه داشت که جرم یادشده، وفق ماده ۱۹ ق.م.ا در زمره جرائم تعزیری درجه شش قرار گرفته است. از این رو دادگاه با در نظر گرفتن شرایط، اوضاع، احوال، موقعیت اجتماعی و خانوادگی دختر و نیز با توجه به احراز درجه تأثیر توسل به ترمیم بکارت برای فریب دادن شوهر، می‌تواند وفق ماده ۴۰ ق.م.ا، صدور حکم را به تعویق اندازد. همچنین در صورتی که مجازات وی را حداکثر تا یک سال حبس تعیین کند، می‌تواند به جای حبس مزبور، یکی از مجازات‌های جایگزین مذکور در مواد ۶۴ ق.م.ا را با عنایت به تناسب آن، برای وی در نظر گیرد.

نکته حائز اهمیت در مورد مسؤولیت کیفری مرتکب جرم فریب در ازدواج این است که این جرم دارای جنبه عمومی بوده و از این منظر در زمره جرائم غیر قابل گذشت قرار می‌گیرد، چراکه وفق تبصره ماده ۱۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، «تعیین جرائم قابل گذشت به موجب قانون است.» از این مقرر برمی‌آید که در حقوق کیفری ایران، اصل بر غیر قابل گذشت بودن جرائم است، مگر این که قابل گذشت بودن جرم، به صراحت در قانون ذکر شده باشد. قانونگذار ابتدا در ماده ۷۲۷ قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵، جرائم قابل گذشت را احصا کرده، سپس در ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، موارد مندرج در آن را تثبیت و ابراً نموده است. با وجود این که جنبه خصوصی جرم «فریب در ازدواج» بسیار پررنگ بوده و بر جنبه عمومی آن غالب است، در زمره جرائم قابل گذشت احصایی مقنن در ماده ۷۲۷ ق.م.ا قرار نگرفته و در ماده ۱۰۴ ق.م.ا نیز به این دسته افزوده نشده است. بنابراین گذشت شاکی یا مدعی خصوصی (طرف مقابل عقد) موجب موقوفی تعقیب یا سقوط کیفر نبوده و تنها از جهات تخفیف مجازات محسوب می‌گردد.

۲- آثار جزایی ترمیم بکارت برای پزشک (مرمم)

گذشت که اجرای عمل جراحی ترمیم بکارت توسط پزشک یا ماما یا اشخاصی از این قبیل در برخی شرایط ویژه، می‌تواند عنوان «معاونت در جرم فریب در ازدواج» یا «اخفای دلیل جرم زنا» به خود گیرد. در این قسمت مسؤولیت کیفری این افراد در صورت صدق دو عنوان مجرمانه یادشده بر عمل ایشان، به صورت جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۲- مسؤولیت کیفری معاونت در جرم فریب در ازدواج: قانون مجازات اسلامی در ماده ۱۲۶، اشخاصی را که معاون جرم به شمار می‌آیند، مشخص نموده است. با توجه به بند «پ» ماده فوق، هر شخصی که وقوع جرم را تسهیل نماید، معاون جرم محسوب خواهد شد.

البته این مطلب در صورتی است که وفق تبصره ماده مزبور، بین معاون و مباشر جرم، در ارتکاب عمل مجرمانه وحدت قصد (اتحاد اراده) وجود داشته باشد، البته مقصود از وحدت قصد این نیست که بین معاون و مباشر لزوماً توافق پیشین و یا مواضعه بر ارتکاب جرم پدید آمده باشد، بلکه همین اندازه که معاون، مباشر را قاصد بداند یا او را قاصد بسازد و در جهت تحقق این قصد به او یاری رساند، وحدت قصد به وجود آمده است (۹).

به هر روی برای تحقق عنصر روانی معاونت، علم و اطلاع معاون از ماهیت جرم مورد نظر مباشر لازم است. به این ترتیب در جرم فریب در ازدواج، معاون (پزشک) بایستی از سوء نیت عام و خاص برخوردار باشد. از این رو هرگاه پزشک با این گمان که دختر مراجعه کننده هدف مشروعی را از ترمیم نمودن پرده مد نظر دارد، عمل مزبور را بر روی وی انجام دهد، معاونت در جرم به دلیل فقدان عنصر سوء نیت عام تحقق نخواهد پذیرفت. همچنین اگر تصور کند که قصد دختر از ترمیم پرده حفظ جان یا آبروی خویش است و برای کمک به او در نیل به همین قصد پرده ازالده شده اش را مورد ترمیم قرار دهد، در صورت ارتکاب جرم فریب در ازدواج توسط دختر مزبور با استفاده از پرده ترمیم شده، پزشک به دلیل نداشتن سوء نیت خاص، معاون جرم به شمار نخواهد آمد.

اگر پزشک اطلاعی از قصد دختر نداشته باشد، با توجه به این که از منظر شریعت و قانون، الزامی برای فهمیدن قصد افراد وجود ندارد؛ تحقیق و پرسش از دختر در این باره لازم نیست. حال اگر پزشک بدون سوء نیت، پرده بکارت وی را بدوزد، اما دختر با بهره گیری از این عمل، مرتکب جرم فریب در ازدواج گردد، نمی توان پزشک را معاون جرم وی دانست، زیرا در این حالت نیز میان عمل پزشک و دختر فریب کار، وحدت قصد وجود ندارد. بنابراین وفق قاعده لزوم تفسیر مضیق از قوانین کیفری و اصل برائت، بایستی وی را تبرئه نمود.

اما در صورتی که پزشک، قصد دختر را مبنی بر فریب خواستگار خویش و ازدواج با او دانسته و با آگاهی از این قصد اقدام به ترمیم نمودن پرده بکارت وی نماید، وحدت قصد محقق شده و از آنجا که پزشک با این اقدام خود دختر را در ارتکاب جرم فریب در ازدواج یاری داده و وقوع جرم را تسهیل نموده است؛ با استناد به بند «پ» ماده ۱۲۶ ق.م.ا. عمل وی، معاونت در جرم فریب در ازدواج محسوب خواهد شد.

بنابراین وفق بند «ت» ماده ۱۲۷ ق.م.ا که مجازات معاونت در جرم تعزیری را یک تا دو درجه پایین‌تر از جرم ارتكابی مقرر نموده است، مجازات وی از درجه هفت یا هشت به شرح زیر تعیین خواهد شد:

- در صورتی که دختر فریب‌کار به حداقل مجازات مقرر (حبس به مدت شش ماه) محکوم شده باشد، با توجه به این که مجازات یادشده - با صرف نظر از ماهیت مجازات فریب در ازدواج که وفق تبصره ۲ ماده ۱۹ ق.م.ا، درجه شش محسوب می‌شود - از درجه هفت می‌باشد، پزشک بایستی به مجازات حبس درجه هشت (حداکثر تا سه ماه) محکوم گردد. توضیح این که تبصره ۲ ماده ۱۹ ق.م.ا چنین مقرر داشته است: «مجازات‌ی که حداقل آن منطبق بر یکی از درجات فوق و حداکثر آن منطبق با درجه بالاتر باشد، از درجه بالاتر محسوب می‌شود»، هرچند وفق تبصره یادشده، مجازات فریب در ازدواج - که حبس از شش ماه تا دو سال است - با توجه به حداکثر مقدار آن، جزء مجازات‌های درجه شش می‌باشد، اما با عنایت به بندهای چهارگانه ماده ۱۲۷ ق.م.ا می‌توان گفت مطلوب قانونگذار این است که مجازات معاونت لزوماً کم‌تر از مجازات مباشرت تعیین شده و در تمامی انواع جرائم، دست کم یک درجه پایین‌تر باشد. حال اگر وفق تبصره فوق، مجازات شش ماه برای دختر از درجه شش فرض شده و معاون نیز به شش ماه حبس، ولی با عنوان درجه هفت محکوم گردد، در این صورت عملاً هیچ تفاوتی در مجازات آن دو وجود نخواهد داشت. از این رو به نظر می‌رسد که در تعیین مجازات برای معاون جرم، بایستی به لزوم کم‌تر بودن میزان آن از مجازات مباشر جرم توجه گردد که در این صورت با توجه به ماده ۶۵ ق.م.ا، دادگاه مکلف است از مجازات‌های جایگزین حبس برای وی استفاده کند. - در صورتی که مجازات تعیین شده برای دختر، بیش از شش ماه تا دو سال باشد، محکومیت وی از درجه شش خواهد بود. در این حالت بسته به نظر دادگاه و با در نظر گرفتن تمامی شرایط دخیل در حکم، پزشک به مجازات حبس درجه هفت یا هشت و یا به یک یا دو مورد از مجازات‌های جایگزین حبس محکوم خواهد شد. در هر صورت مجازات وی نمی‌تواند بیش از حبس به مدت شش ماه تعیین گردد.

۲-۲- مسؤریت کیفری اخفای جرم زنا: در صورتی که پزشک عمل ترمیم بکارت را به قصد پنهان نمودن جرم زناى دختر و برای خلاصی وی از محاکمه و محکومیت انجام داده باشد، وفق

ماده ۵۵۴ قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده، دادگاه می‌تواند پزشک یا ماما را به علت مخفی کردن ادله جرم از طریق ترمیم پرده بکارت، به یک تا سه سال حبس محکوم نماید. مجازات یادشده وفق تقسیم‌بندی ماده ۱۹ ق.م.ا و با عنایت به تبصره ۲ آن، در زمره جرائم تعزیری درجه پنج قرار می‌گیرد. از این رو با توجه به مفهوم مخالف ماده ۴۰ ق.م.ا، دادگاه نمی‌تواند صدور حکم را به تعویق اندازد و مرتکب از این امتیاز محروم خواهد بود. همچنین در صورت محکومیت پزشک به بیش از یک سال حبس، اعمال مجازات جایگزین ممنوع بوده و بایستی همان مجازات حبس مقرر در حکم را تحمل نماید، اما در صورتی که دادگاه برای وی، حداقل مجازات مقرر در ماده ۵۵۴ قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده (حبس به مدت یک سال) را در نظر گرفته باشد، با احراز فقدان سابقه کیفری مذکور در ماده ۶۶ ق.م.ا، می‌تواند وفق ماده ۶۷ همین قانون، به جای آن او را به مجازات جایگزین حبس محکوم کند.

دعای کیفری مربوط به ترمیم بکارت در محاکم دادگستری

همچنان که گذشت، دو جرم «فریب در ازدواج» و «اخفای ادله رابطه نامشروع» تنها عناوین مجرمانه‌ای هستند که ممکن است عمل ترمیم بکارت را دربر گیرند. در زیر به چگونگی طرح شکایت و درخواست تعقیب کیفری به دلیل دو جرم یادشده می‌پردازیم.

۱- شکوائیه فریب در ازدواج

هرگاه مردی که مبتنی بر دوشیزگی دختر با وی ازدواج نموده، پس از عقد، متوجه شود که همسرش دوشیزه نبوده و به واسطه ترمیم پرده بکارتش وی را فریفته است، می‌تواند از طریق کیفری اقدام نموده و بر علیه زوجه طرح شکایت نماید. در این حالت زوج بایستی شکوائیه خود را به طرفیت زوجه با موضوع «تقاضای تعقیب جزایی مشتکی‌عنه به دلیل فریب در ازدواج به واسطه بکرنامی» تقدیم دادسرا نماید، زیرا هرچند به نظر می‌رسد که رسیدگی به جرائم مربوط به حیطة خانواده، وفق تبصره ۲ ماده نخست قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ - که رسیدگی به دعای مربوط به خانواده را در صلاحیت دادگاه خانواده دانسته است - بایستی در دادگاه مزبور صورت گیرد، اما برابر نظریه شماره ۷/۹۲/۲۵۴۱-۱۳۹۲/۱۲/۲۸ اداره حقوقی قوه قضائیه، صلاحیت دادگاه خانواده صرفاً محدود به بندهای هیجده‌گانه احصایی در ماده ۴ قانون فوق بوده

و دعاوی کیفری مربوطه، بر اساس آیین دادرسی کیفری و قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. از این رو الزاماً بایستی شکوائیه ابتدا در دادسرا مطرح گردد.

پس از تشکیل پرونده در دادسرا، به این موضوع رسیدگی شده و در صورتی که دلایل و شواهد و مدارک کافی بر آن ارائه شده باشد، پرونده با قرار «جلب به دادرسی» به دادگاه کیفری دو ارسال خواهد شد.

لازم به یادآوری است که اثبات وجود عناصر سه‌گانه جرم فریب در ازدواج در دادگاه بر عهده شاکی و یا دادستان بوده و در صورت عدم اثبات، حکم به برائت زوجه داده خواهد شد. همچنین در صورتی که زوج خواستار تعقیب و مجازات پزشک مرمم به عنوان معاون جرم باشد، بایستی وحدت قصد میان وی با زوجه را نیز به اثبات رساند.

۲- تعقیب کیفری اخفای ادله جرم زنا

اخفای ادله جرم، مصداق ممانعت از اجرای عدالت بوده و در زمره جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی قرار دارد. از این رو به نظر می‌رسد پیگیری و آغاز تعقیب آن، صرفاً توسط شخص دادستان (مدعی العموم) بوده و اشخاص دیگر نمی‌توانند تحت این عنوان شکوائیه ارائه دهند، زیرا به نظر می‌رسد که وفق ملاک بند ۱۰ ماده ۸۴ ق.آ.د.م، برای طرح شکایت، ذی‌نفع بودن شخص شاکی و تأثیر مستقیم یا غیر مستقیم جرم یا نتایج آن بر وی لازم است، در حالی که چنین امری در اینجا وجود ندارد. بنابراین دادستان یا نماینده وی، با جمع‌آوری ادله و شواهد کافی، پزشکی را که با هدف رهایی دختر از محاکمه و محکومیت، پرده بکارت وی را ترمیم نموده است، با قرار جلب به دادرسی روانه دادگاه کیفری دو نموده و قاضی دادگاه در این خصوص تصمیم‌گیری می‌نماید. در این حالت اثبات وجود عناصر سه‌گانه جرم با شخص دادستان یا نماینده وی می‌باشد.

نتیجه‌گیری

در حقوق موضوعه اشاره اختصاصی به ترمیم پرده بکارت نشده و خصوص این عمل مورد جرم‌انگاری قرار نگرفته است، اما با حصول شرایطی می‌تواند عنوان مجرمانه «فریب در ازدواج» به خود گرفته و جرم محسوب شود. همچنین پزشکی که با آگاهی از قصد دختر مبنی بر فریب

طرف عقد مبادرت به انجام جراحی ترمیم بکارت بر روی وی می‌نماید، با اجتماع شرایط، به عنوان معاونت در جرم قابل تعقیب است. با این وجود، به نظر می‌رسد که در بیشتر موارد، با توجه به عدم احراز قصد فریب و تقدم اغراض دیگری همچون حفظ آبرو، نمی‌توان دختر را مرتکب جرم فریب در ازدواج و پزشک را معاون جرم یاد شده دانست. همچنین تعقیب پزشک ترمیم‌کننده پرده بکارت با اتهام «اخفای ادله جرم»، جز در موارد بسیار اندک امکان‌پذیر نیست. از این رو با توجه به اصل تفسیر مضیق قوانین کیفری و اصل برائت متهم و قاعده درء، می‌توان گفت که عمل ترمیم بکارت در بسیاری از موارد جرم تلقی نشده و جز در موارد اندک، نمی‌توان آن را موجب تحقق مسؤولیت کیفری برای دو گروه فوق دانست. شکوائیه فریب در ازدواج با توسل به ترمیم پرده بکارت بنا بر اصل، نخست بایستی در دادسرا مطرح گردد، اما در خصوص عنوان مجرمانه اخفای ادله جرم، به نظر می‌رسد که حق پیگیری و آغاز تعقیب آن، صرفاً با مدعی‌العموم بوده و اشخاص دیگر صلاحیت تقدیم شکوائیه با سرنامه مزبور را ندارند.

References

1. Safayi SH, Imami A. Brief of family law. 18th ed. Tehran: Mizan Publication; 2009. p.195. [Persian]
2. Katouzian N. Civil rights of family. 4th ed. Tehran: Enteshar Publication in collaboration with the Bahman Borna; 1996. Vol.1 p.289. [Persian]
3. Katouzian N. General rules of contract. 4th ed. Tehran: Enteshar Publication in collaboration with the Bahman Borna; 2004. Vol.5 p.341. [Persian]
4. Mir Mohammad Sadeghi H. [Translation of Understanding Criminal Law]. Clarkson C (Author). Tehran: Jangal Publications; 2011. p.82-83. [Persian]
5. Zeraat A. Islamic Penal Code in the current legal order. 1st ed. Tehran: Ghoghnoos Publication; 2005. p.698. [Persian]
6. Mir Mohammad Sadeghi H. Crimes against property or property. 39th ed. Tehran: Mizan Publication; 2014. p.108. [Persian]
7. Zeraat A. Islamic Penal Code in the current legal order. 1st ed. Tehran: Ghoghnoos Publication; 2005. p.698. [Persian]
8. Zeraat A. Islamic Penal Code in the current legal order. 1st ed. Tehran: Ghoghnoos Publication; 2005. p.557. [Persian]
9. Ardabil MA. General criminal law. 30th ed. Tehran: Mizan Publication; 2013. Vol.2 p.113. [Persian]